

در انتظار یک رویداد ملی

و ادبی در خطه نام‌آوران

اولین نشست هم‌اندیشی با موضوع «جایزه‌ادبی مشهد» برگزار شد



روزنامه‌ شهرامید وزنگی
شنبه
 ۱۵ شهریور ۱۳۹۶
 شماره ۳۱۳۴

۱۴



فرهنگ و هنر

پنجشنبه ۱۳ شهریور، اولین نشست هم‌اندیشی اهالی فرهنگ و ادب مشهد، با حضور مدیر و دبیر این جایزه ادبی در خانه هنرمندان برگزار شد. حاضران در این جلسه به شفاف‌سازی ابعاد برگزاری این جشنواره، توریس‌م ادبی، اهمیت پرداختن به تاریخ شفاهی، دعوت از نویسندگان سراسر کشور و روال بررسی و دریافت آثار به بحث و گفت‌وگو پرداختند.

● یادی از چهره‌های برجسته ادبی مشهد

بهزاد چوپانکار، مدیر برگزاری جایزه ادبی مشهد در ابتدای این جلسه گفت: اگر به لحاظ تاریخی به ادبیات خراسان نگاه کنیم، به جرئت می‌توانیم بگوییم که بسیاری از بزرگان و نام‌آوران این حوزه، خراسانی بوده‌اند و این مزید بر علت برای درخشش خطه خراسان در حوزه ادبیات شده است. این رویداد با تلاش‌های بی‌وقفه اهالی ادب و با پیگیری ویژه امور هنری معاونت فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد به شورای اسلامی شهر مشهد ارائه شد و پس از بررسی و تأیید به سازمان اجتماعی و فرهنگی ابلاغ شد.

به گفته او این فراخوان در سه حوزه شعر، داستان و روایت‌نگاری در بخش کتاب‌هایی که سال ۹۸ منتشر شده و تک اثر چاپ نشده برگزار می‌شود. در قسمت کتاب منتشر شده، آثار سال ۹۸ در زمینه شعر کلاسیک، شعر نو، مجموعه داستان و رمان بررسی و داوری خواهد شد.

چوپانکاره تأکید کرد: ما می‌خواستیم در این رویداد به صورتی از چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته ادبی مشهد یاد کنیم از این‌رو «نشان ویژه ملک الشعرای بهار» برای شعر کلاسیک و «نشان ویژه اخوان ثالث» برای شعر نو در نظر گرفته شده است. به همین صورت «نشان ویژه توس» برای بخش داستان و در بخش روایت‌نگاری نیز «نشان ویژه بهیقی» به برگزیده‌گان این رویداد اهدا می‌شود.

● معرفی داوران جشنواره

حسین لعل‌پذری دبیر جایزه ادبی مشهد در ادامه این نشست به معرفی داوران جایزه ادبی پرداخت و بیان کرد: برای هر بخش یک دبیر اختصاصی معرفی کردیم که در بخش شعر، جواد گنجعلی از شاعران برجسته مشهد، فرهاد بردبار در بخش داستان و در بخش روایت‌نگاری احسان عبدی پور از چهره‌های شاخص سینما و روایت‌نگاری، ما را در رقم زدن این رویداد ملی همراهی می‌کنند.

به گفته او روایت‌نگاری یکی از بخش‌های ویژه این جایزه است که به شهر مشهد اختصاص دارد و قرار است با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی مشهد، شخصیت‌ها و چهره‌های کمتر شناخته شده که بخش مهمی از هویت تاریخی این شهر هستند و فرهنگ و اتمسفر غالب بر آن، یک اتفاق ادبی و فرهنگی شگرف در این حوزه رقم بخورد.

دبیر جایزه ادبی مشهد تأکید کرد: ما تلاش می‌کنیم که این رویداد تنها به انتخاب چند اثر و اهدای جوایز خلاصه نشود و از زمان شروع تا پایان آن بتوانیم از حضور و گفت‌وگو با چهره‌های شاخص ادبیات کشور، معرفی چهره‌های جوان در این حوزه، تعامل با شاعران، نویسندگان، روایت‌گران و برگزاری ورکشاپ ادبی بهره ببریم.

به گفته لعل‌پذری مهلت ارسال آثار برای بخش کتاب‌های منتشر شده تا پایان شهریور امسال و برای بخش تک اثر نیز تا پایان مهر است.

جواد گنجعلی، دبیر بخش شعر جایزه ادبی مشهد، نیز با اشاره به اینکه زمان زیادی از برگزاری آخرین رویداد و جشنواره ادبی در این شهر گذشته است خاطر نشان کرد: این جایزه با در نظر گرفتن حوزه‌های مختلف شعر، داستان و روایت‌نگاری جان تازه‌ای به فضای شعر و داستان می‌دهد. برگزاری این رویداد دغدغه من و بسیاری از فعالان این حوزه در خراسان رضوی بوده و حالا این تلاش‌ها به ثمر رسیده است. امیدوارم تا این اتفاق مهم، نام و نام‌آوران خراسان را جریان‌ساز کند.

کاندیدانوری بهداد در یک جشنواره اسپانیایی



حامد بهداد، بازیگر مشه‌دی سینما برای بازی در فیلم «قصر شیرین» نامزد کسب جایزه از جشنواره فیلم «ایمجین ایندیا» در کشور اسپانیا شد. به گزارش خبرگزاری صبا، «قصر شیرین» ساخته رضا میر کریمی در این رویداد علاوه بر رشته بازیگری مرد، در دو شاخه دیگر شامل بهترین فیلم‌نامه و موسیقی متن نامزد کسب جایزه شده است. جشنواره فیلم «ایمجین ایندیا» از تاریخ ۲۴ سپتامبر تا ۸ اکتبر (۳ تا ۱۷ مهر) برگزار می‌شود. «قصر شیرین» پیش از این جوایز بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر مرد را از جشنواره فیلم شانگهای، جایزه بهترین فیلم از جشنواره بین‌المللی شرق و غرب اورنبرگ، دو جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلم از نگاه منتقدان در جشنواره فیلم‌های هنری «باتومی» گرجستان و جایزه بهترین کارگردانی و بازیگر مرد (حامد بهداد) جشنواره آن‌تالیا ترکیه را کسب کرده و در سیزدهمین دوره جوایز سینمایی آسیاسیفیک نیز در شاخه بهترین فیلم‌نامه (محسن قرائی و محمد داوودی) نامزد کسب جایزه بود.



خیلی از کارگردانان بازیگری بلد نیستند

امیر دژاکام بازیگر، کارگردان و مدرس بازیگری در گفت‌وگو با خبرگزاری هنر ایران درباره وضعیت معرفی هنرجویان آموزشگاه‌ها به پروژه‌های در حال ساخت توضیحاتی ارائه داد. به گفته او وقتی خروجی خوبی از آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها نداشته باشیم، ورودی خوبی هم در سینما و تئاتر و تلویزیون نداریم. این مدرس تأکید کرد: ما چهره جدید نداریم، چون معلم نداریم. امروز بخشی از ورود چهره‌های جوان به عرصه نمایش و تصویر به پارتی‌بازی و بخشی هم به پول وابسته است.

دژاکام با اشاره به اینکه بسیاری از کارگردانان، هنر

بازیگری را بلد نیستند، گفت: کارگردانان نگاه می‌کنند به فلان بازیگری که همه می‌گویند بازیگر است و او را تأیید می‌کنند. اما وقتی قرار است یک بازیگری را خود ببینند و بر اساس دانش خود بگویند که این بازیگر خوب است یا نه، نمی‌توانند تشخیص دهند چون دانش بازیگری ندارند. ضمن این‌که تهیه‌کنندگان نیز این جسارت را ندارند روی چهره‌های جدید دست بگذارند، چون معتقد هستند این چهره‌ها قابلیت بازگشت سرمایه را در



گیشه ندارند. به گفته او در سینما سخت این اتفاق می‌افتد مگر آنکه بازیگران جوان پیش از آن در تلویزیون و یا شبکه نمایش خانگی حضور داشته باشند و دیده شوند و بعد به سینما راه یابند. از سویی هم نمی‌توان این حق را از تهیه‌کننده‌ای که در بهترین حالت ۱۰ میلیارد هزینه صرف ساخت یک اثر می‌کند گرفت، چون او باید در گیشه ۳۰ میلیارد بفروشد تا هزینه‌های مازاد را پرداخت کند و در نهایت به مبلغ

سرمایه شده برسد، بنابراین هر کسی حاضر به پذیرش این خطر نیست. دژاکام در پاسخ به این سؤال که امروز بسیاری از آموزشگاه‌ها تبدیل به منبع مالی برای صاحب آن شده‌اند تا صرفاً پولی از علاقه‌مندان به عرصه بازیگری بگیرند و بعد آن‌ها را رها کنند، گفت: آموزشگاه‌ها منبع درآمد انجمنانی ندارند و اغلب ستارگان سینما هستند که یک کارگاه برگزار می‌کنند و میالغ انجمنانی می‌گیرند یا کارگردانی که فنون کارگردانی را بلد است، نامی هم دارد و رک‌شاپ برگزار می‌کند و پول انجمنانی می‌گیرد، اما معلمان بازیگری اغلب کار خودشان را می‌کنند و درآمد چندانی هم ندارند.

روایت عاشقی در «انتظار عشق»

گفت‌وگو با حامد اعظمی حسینی، که این روزها تله فیلمی به مناسبت شهادت امام رضا (ع) می‌سازد



حامد اعظمی حسینی کارگردان «انتظار عشق» به همراه تعدادی از بازیگران در پشت صحنه این فیلم

غلامرضا زوزنی
 z.zouzani@shahraranews.ir

گروهی از فیلم‌سازان مشهدی در آستانه ماه صفر که ماه شهادت حضرت علی‌ابن‌موسی‌الرضا (ع) است، آستین همت را بالا زدند و برای تولید فیلمی مناسبتی مشغول به کار شدند. «انتظار عشق» عنوان تله‌فیلمی است که حامد اعظمی حسینی آن را نوشته و در مشهد و روستاهای اطراف مشهد آن را جلوس دوربین برده است. اعظمی حسینی کارگردان تلویزیونی این اثر نمایشی است و در کنار او حسین ابراهیمی نیز کارگردانی هنری و بازیگردانی آن را عهده‌دار است. علیرضا ملک‌زاده، تهیه‌کننده این تله‌فیلم است که به گفته اعظمی همه سرمایه حدود دو‌یست میلیون تومانی برای تولید از سوی بخش خصوصی تأمین شده است. «انتظار عشق» برای پخش از شبکه‌های ملی و استانی تولید شده و ملک‌زاده درصدی ریزی

«انتظار عشق» داستان پیرزنی است که دل‌داده امام هشتم (ع) است. او نذر دارد هر سال به پابوس ایشان برود، چند سالی است که او به دلیل بیماری مجال مشرف شدن به زیارت امام رضا (ع) را نیافته است تا اینکه اتفاقات دست به دست یکدیگر می‌دهند و ...

در داستانی که در روستای کنگ و شهر مشهد روایت می‌شود مسائل دیگری همچون وحدت میان مسلمانان، عشق و ارادت اهل سنت به امام رضا (ع) و ... نیز مطرح می‌شود که این فیلم را تماشایی‌تر می‌کند.

در این تله‌فیلم یک ساعته، علیرضا سوزنجی، حسین ابراهیمی‌راد، یاسمین نعمتی‌زاده، تبسم طاهریان، ارینا برامکی یزدی، عباس برزو، عرشیا نقیبی، احمد منطری، حمیدقهرمان، شهرام رنجبر، بهروز ابراهیمی‌کیا و زهره دین‌پور بازی می‌کنند.

● تولید با رعایت کامل شیوه‌نامه‌های بهداشتی

به گفته کارگردان این تله‌فیلم که «انتظار عشق» را در روزهای کرونایی جلو دوربین برده است، شرایط کار سخت بوده اما با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی به کسی آسیبی وارد نشده است. اعظمی می‌گوید مجوز تولید نیز با شرط رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی برایشان صادر شده است: سعی کردیم تیم تولید را زیاد شلوغ نکنیم. سعی کردیم مکان‌هایی را برای

نیز فیلمی پلیسی، اجتماعی را در دست تولید دارد. ● تولید در مشهد و حومه



کرده است و اهل هنر برای آن‌ها و خالقشان احترام قائل‌اند، نشان می‌دهد تا این‌جای کار را درست آمده است. ضمن اینکه هنرمند باید همیشه راه‌های تازه‌ای برای بیان خودش پیدا کند. از این موضوع هم نمی‌شود گذشت که نوشتن در مورد آدم‌حی و حاضر سخت است و هر چیزی بنویسم ممکن است حق مطلب را ادا نکند. شهرت اصلی علی دیواندری به خاطر آثار کاریکاتور اوست. آثاری از او در سطوح بین‌المللی دیده شده است که کلافضایی متفاوت با کارتون‌های مطبوعاتی آن دوران داشته است. انگار اصلاً آن‌ها را برای نمایش در سطح دیگری از فهم هنری کشیده است. آثار معروف دیواندری در موزه‌ها و نگارخانه‌های دائم بیشتر کشورهایی که در آن‌ها موفق به کسب جایزه شده است، نگه‌داری می‌شوند.

طعنه به توهم آمریکا

آن روزگار بود. گزارش‌های ارائه‌شده از سوی دولت آمریکا در سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ میلادی نشان می‌دهد که در این سال‌ها علاوه بر سقوط بازار سهام و بازار اوراق قرضه دولتی تولید ناخالص داخلی آمریکا ۵۲ درصد کاهش یافت و نظام بانکی بسیار ضعیف شد. پس از آن هم جنگی با تمام‌قوا برای نشان دادن قدرت پوشالی و نجات از بحران اقتصادی، پیروزی عقیم، تلنگری است به توهم پیروزی آمریکا، به تلاش برای نشان دادن وارونه حقیقت، به قبول نکردن شکست و رد واقعیت‌ها. توهمی که بیشتر در سر آدم‌هایی همچون سیاستمداران آمریکایی است که نمی‌خواهند واقعیت‌های روز جامعه را ببینند و این ماجرا تا امروز هم ادامه دارد. اثری شیوا و به اندازه کافی بلوغ، به قول خود دیواندری: معتقدم کاریکاتور پیامش را در نهایت ایجاز به مخاطبانش انتقال می‌دهد. کاریکاتور عصاره تلخ و شیرین اندیشه‌های بشری و بیان‌کننده والاترین مضامین با حداقل مواد (قلم و کاغذ) در حداکثر تیراژ در دنیای معاصر است.

فتح جهان با گذرنامه کاریکاتور

درباره علی دیواندری، کاریکاتور‌یست خراسانی، به بهانه پانزدهم شهریور، سالروز تولدش

سبزوآر مخالفت می‌شود. علی برای تُنگ شیشه‌ای سبزوآر ماهی بزرگی بود. برای همین به دریای تهران می‌رود. سال ۱۳۵۸ وارد دانشکده هنرهای زیبای می‌شود و الباقی داستان، که تا امروز هم خوش‌بختانه ادامه دارد.

آثار دیواندری این‌قدر زیادند که نمی‌شود آن‌ها را یک به یک شمرد. از نقاشی با سبک‌های سوررئال و کوبیسم و آیزره گرفته تا قلم زدن برای انواع و اقسام مجلات و روزنامه‌ها. از طراحی آرم و جلد کتاب‌های مختلف گرفته تا انواع مجسمه‌ها با مترپال‌های مختلف، که همه این‌ها را هم در حد اعلا به سرانجام رسیده است. فهرست بلند بالای جوایز دیواندری، قضاوت را در مورد آثارش سخت می‌کند. حدود ۵۰ جایزه بین‌المللی و کلی نمایشگاه گروهی و هزار نقد و بررسی قضیه را جدی می‌کند. اینکه بدانی در مورد آثار کارتون‌نیت به نقاشی قرار است صحبت کنی که قبلاً در بوته نظر آدم‌های خبره گذاخته شده است، کافی است تا قید حرف زدن در مورد آن را بزنی! نقدهایی که بر او و کارش وارد شده‌اند نشان می‌دهد که او و آثارش دیده شده‌اند. نقدهایی از این دست که: کارهایش شخصیت واحدی ندارند و سیاقش به کلی با قبل و بعدش متفاوت است و هنوز نتوانسته خط منحصر به خودش را پیدا کند و غیره که بگذریم، جوایزی را در جشنواره‌های بزرگ و معتبر جهانی، در گوشه و کنار دنیا کسب

خط‌کشی شده نبود. علی دیواندری از همین نقطه جغرافیایی در پهنه خراسان به سفری روی پهنه کاغذ و از آنجا به دورترین بلاد رفت. سال‌ها بعد این را در ابتدای کتاب «لیخند بزن مونالیزا» می‌نویسد: «گذرنامهٔ اصلی من یک کاریکاتور بود، با آن به پرواز درآمدم و از مرز هفت کشور کهن عبور کردم، لب اقیانوس آرام نشستم و پاهایم را در آب‌های بین‌المللی شستم. جادوی طنز و تصویر که باید آن را تماشا کنی. کلمه این‌جا نارضا است.» در مورد زندگی او نمی‌خواهم زیاد صحبت کنم. تمام اطلاعاتی که لازم است قاطبه مردم -اعم از آشنا و غریبه- بدانند در اینترنت موجود است و کسی نیست که این روزها با این دانای همه‌چیزدان ناآشنا باشد. صفحه شخصی‌اش هم در اینستاگرام، ویکی‌پدیا و انواع و اقسام سایت‌های خبری، هر چیزی که لازم بوده است را در مورد او نوشته‌اند یا خودش به اشتراک گذاشته است. ولی اگر بخوایم به‌طور خلاصه او را بشناسیم باید عرض کنم که «علی دیواندری» کارتون‌نیت، نقاش، مجسمه‌ساز و گرافیس‌ت سبزواری، متولد پانزدهم شهریور ۱۳۳۶ است. طبق معمول این قسم آدم‌ها، از کودکی دستش به قلم می‌چسبید و استادی جز غریزه‌اش نداشت.

این‌قدر به کارش اصرار کرد تا در سال ۱۳۴۲ اولین اثرش در روزنامه کیهان چاپ شد. سال ۱۳۵۵ در حالی که جوان نوزده ساله‌ای پر از حرف‌های ناشنیده و خط‌های دیده نشده بود، با برگزاری نمایشگاهش در زیرزمین ساختمان فرهنگ و هنر

امیرمنصور رحیمیان

چستار

شهریور برای خودش فصلی است. فصلی بلا تکلیف، بین پاییز و تابستان؛ فصلی که ظه‌ره‌هایش گرم‌اند و غروب‌هایش رنگ و بوی آبان می‌دهد. انگار پارچ‌ای تابستانی است که زیر باران پاییزی خیس شده باشد و گویی مهر بی‌اجازه آمده است وسط تابستان شلتاق می‌اندازد. هر روزش هم ایستن هزار طور آب و هوا و هزار اتفاق است. این‌ها را گفتم که ربطش بدهم به یکی از هزار اتفاقی که در پانزدهمین روز شهریور زمره کاربلدترین کارتون‌نیت‌ها قرار گرفت و اسمش با هنر ایران گره خورد. کسی که سال‌ها بعد، با محدود شدن فضای مطبوعاتی ایران به شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی روی آورد و در طول چند سال جوایز متعددی را از آن خود کرد. به‌طوری‌که او را پر افتخارترین کارتون‌نیت‌نمایشگاهی دههٔ ۷۰ لقب دادند. بگذریم، آن روزها دنیا اصلاً به بی‌رحمی و سیاهی این روزهایش نبود. سبزوآر واقعا سبز بود. خبری از ساختمان‌های سیمانی و جاده‌های پت و پهن

